

# حقوق و جزای اختصاصی ۳

گردآورنده: محمد امین شریفی

استاد: دکتر آقایی

ویژگی های جرائم علیه امنیت و آسایش :

۱) اصل صلاحیت ذاتی و صلاحیت خاصه آریسته تقسیم شوند : شخص ، جانی ، واقعی و سرزمینی در جرائم علیه امنیت ، محدثاً از صلاحیت واقعی استفاده می شود .  
صلاحیت واقعی یعنی خود جرم مهم است و مهم نیست در چه سرزمینی رخ دهد هم چنین مهم نیست ترتیب ایرانی باشد یا غیر ایرانی .

ماده ۵۰ : هر تحقیق ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حالت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم متعدد در توابع خاص گردد ، مجازات توابع جمهوری اسلامی ایران معافانه و مجازات می شود .  
همین که هویت جرم در خارج از ایران باشد نشان می دهد محل وقوع جرم مهم نیست .

۲) رسیدگی در دادگاه انقلاب ؛  
چون جرم علیه امنیت ، مهم است ، رسیدگی در این جرائم در دادگاه انقلاب است .

۳) جنبه عمومی ؛  
در جرائم علیه امنیت ، جنبه عمومی اهمیت بسطی دارد و بنابراین شایع خصوصی نیست و لذت شخصی خصوصی هم اثری ندارد .

۴) تعزیری بودن ؛  
اکثر جرائم علیه امنیت از نوع تعزیری است مگر در مجازات و افساد فی الارض که جرم حدی هستند .  
۵) معاونت در جرم ؛

در جرائم علیه امنیت ، معاونت در جرم را مستقلاً جرم انگاری کرده اند و دلالت اهمیت آن جرم است .  
ماده ۵۱۲ تعزیرات : هرکس مردم را به قصد جرم این امنیت کشور به حبس و کشتار یا بلبلا کردن آنها تحریک کند ...

۶) شروع به جرم ، جرم تمام نیست ؛  
شروع به جرم ، جرم تمام نیست ولی قانونگذار در جرائم علیه امنیت ، مجازات مستقل برای شروع به جرم قرار داده است .  
ماده ۵۰۲ : هرکس به قصد سرقت یا فتنه بردارن یا یک اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع ...

۷) جرم انگاری کردن انگیزه ؛  
انگیزه جرم انگاری شده است ولی قانونگذار در جرائم علیه امنیت ، آن را جرم انگاری کرده است .  
ماده ۵۰۵ : هرکس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات مملکتی بزرگی بگردد را ...

**تعریف جرائم علیه امنیت:** هر چه است که تمامیت سیاسی و حاکمیت را مختل می کند، معنی می خواهد استقلال کشور را

از بین ببرد.

**تعریف جرائم علیه آسایش:** آسایش معنی استقرار زندگی با آرامش بر این اتباع و ساکنین یک کشور است. لازم به ذکر است که اول باید امنیت و حاکمیت مقدر باشد، سپس آسایش برای مردم فراهم شود.

ملی.

جرائم علیه اموال با این امنیت را مختل می کند و می آید از تحت جرائم علیه امنیت قرار نمی دهیم، زیرا در جرائم علیه اموال، تصور حداقل یک نوع امنیت وجود میکند است در یک جنبه کشور مهم باشد ولی در جرائم علیه امنیت اولاً و بالذات موضوع، امنیت کشور است پس در جرائم علیه اموال به تبع است.

**محل:** مواد ۵۲۳ الی ۵۴۲

**ماده ۵۲۳:** محل و تکرر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای انحصاری (معنی یا غیره)، فراسیدن یا تاسیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الحاق نوشته ای به نوشته دیگری یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و تقاضای اینها به قصد تقلب.

ملی.

ظاهر آن محل و تکرر مترادف هستند و فرق ندارند.

محل در لغت به معنی خلق کردن، ایجاد کردن، آفریدن، وجود آوردن و تکرر به معنای تکرار و تقلب است که همان غیر واقع را، واقع نشان دادن است.

**تعریف اصطلاحی:**

معنی بر این بیان تعریف ۳ روش دارد:

- ۱) اینکه خود اصطلاح را تعریف می کند مثل تعریف سرعت حدی.
- ۲) اینکه بیان معنای آن می کند مثل کاره که در مورد جعل انجام داده است.
- ۳) اینکه نه تعریف می کند و نه معنای آن آورده مثل کاره که در مورد تقلب انجام داده است.

**تعریف جعل:**

عبارت است از ساختن یا تغییر دادن سند یا نوشته یا مهر موردی که در قانون ذکر شده است بصورت آگاهانه (محددی) و جای زدن آن به عنوان اصلی بر این استفاده می خود یا دیگری و در جهت ضرر زدن به دیگری.

جعل سابقه صولان دارد. در قانون مجرای در بند سوم ماده ۵ می نویسد: از قاضی طلبی صادر کند حق تغییر را ندارد و از قاضی تغییر بدهد ۱۲ برابر (مدعی ب) را باید پرداخت کند و الهی الا بد (تا آخر عمر) از بیت قضایی محروم می شود. در متون فقهی نیز بحث جعل را داریم؛ به طور مثال مرحوم شیخ طوسی در روایه می فرماید: اگر کسی با مکر و خدشه، اموال مردم را تصاحب کند تقوی می شود و باید مال را رد کند و ما کم او را در کشور بچرخاند تا مردم وی را بشناسند. حقوق طلبی در شراعی می فرماید: دست چند نفر قلع نمی شود که یکی از آنها معتکف است. محتمل کسی است که مال مردم را به تدریج می برد.

**ساختن سند - تغییر دادن سند:**

جعل با در وضعیت اتفاق می افتد؛ ساختن سند - تغییر دادن سند؛  
 ساختن سند: یعنی هیچ چیزی وجود ندارد و برگ خود را یک سندی را با مشخصاتی درست می کند.  
 تغییر دادن سند: یعنی سند وجود دارد اما برگ دیگر در آن یک تغییراتی وجود می آورد.

در ساختن سند باید یک مشابهت با اصل سند وجود داشته باشد، به نوعی که باعث انفعال گردد مثلاً جعل کلمات مثل در ورق ۸۴ هیچ گاه جعل نیست. در ضمن ساختن باید روی کاغذ باشد، اما اگر تغییر دادن بر روی فلز باشد جعل خواهد بود و ممکن است عناوین دیگری داشته باشد. ماده ۷۲۰

**مصادیق جعل:**

- ۱) مهر کردن: مهر کردن و از بین بردن باید با مهر سید یا مهری رخ دهد.
- ۲) خراشیدن: اگر وسیله تغییر دادن در سند، وسیله ای و سایر چیزها (چاقو، کفش و...) باشد مصداق خراشیدن و تواتر شدن است؛ حال اگر همه را از بین ببرد تواتر شدن و اگر جزئی را از بین ببرد خراشیدن است.
- ۳) قلم بردن: بخش از یک کلمه یا موجود را تغییر می دهد مثلاً حسن را تبدیل می کند به حسین یا عدد را تغییر می دهد مثلاً ۱۰۰۰ را می کند ۲۰۰۰.
- ۴) الحاق کردن: در جایی خالی کلمه ای را اضافه می کند مثلاً در جایی خالی می نویسد من خانه را به حسن و حسین فروختم.
- ۵) اثبات کردن: یک سند باطل را تبدیل به یک سند رسمی می کند مثلاً در یک اداره ای به یک سند مهر ابطال خورده شده و این مهر سند بی اعتبار را معتبر می کند؛ مثلاً مهر ابطال را از بین می برد.
- ۶) سیاه کردن: یعنی کلمه یا عدد را ناخوانا می کند.

اگر ط سند را نخواند آری این جعل است؟

خبر این یک جرم جعلی است به نام تحریک سند.

اگر فردی با جوهر ناهوانا سند را آماده کند و از دیگری پول بگیرد و پس از مدت نوشته‌های یک شود آری این

جعل است؟

خبر، در بدو امر جعل است زیرا محو است اما در اصل کلاهبرداری است.

۷) تغییر تاریخ سند (تقدیم و تأخیر): مثلاً این فرد تا ۱۰/۱۰/۹۵ وکیل بوده اما در تاریخ ۱۰/۱۱/۹۶

عقدی را انجام می‌دهد، برای اینکه عقد صحیح باشد تاریخ وطلک نامه را به ۱۰/۱۱/۹۶ تغییر می‌دهد

و یا تاریخ اجاره نامه را تغییر می‌دهد حال یا به تقدیم و یا به تأخیر.

۸) ساختن مهر و امضاء:

نظر اول: مراد ساختن فیزیکی مهر و امضاء است (پس به صرف ساختن جعل صورت گرفته است)

نظر دوم: مراد استفاده از این دو در بایستی سند است زیرا در مورد امضاء، ساختن معنا ندارد

۹) به کار بردن مهر دیگری: یعنی مهری که موجود است را بویسد نوشته شده ای می‌زند.

این مورد با امضاء سفید و مهر سفید متفاوت است زیرا در این دو مورد مهر امضاء موجود است

اما متن سند را بعد از آن بویسد هم جنس با حیانت در امانت هم متفاوت است زیرا در حیانت

در امانت مهر سپرده شده ولی در این‌ها خودش مهر را برمی‌دارد.

۱۰) الصاق کردن: یعنی دو سند را یکی می‌کنند مثلاً اینکه با این اجاره نامه را بریده و به سند دیگری چسبانده

است که در بدو امر انظار این یک سند است و حال آنکه این دو سند بوده که به هم الصاق شده

است.

۱۱) تطابق اثرها: مثلاً کم کردن سند مثلاً سند داران ۱۰ برکت بوده و این فرد یک برگ را کنده است.

**ویژگی‌های جرم جعل:**

۱- ارتکاب آن ساده و سهل است پس شل سبقت و کلاهبرداری نیست.

۲- به شدت باعث سلب اعتماد عمومی می‌شود و به خاطر این ویژگی در همین اعصار جرم انگاری شده است

۳- خاطر اینکه دوم معمولاً جرم جعل غیر قابل گذشت است.

۴- جرم جعل، جرم محدودی است، یعنی همیشه با سوء نیت است می‌توان گفت خطای محض یا شبه عمد

بوده. پس ترمین جعل نیت، در خواب جعل نیت، به شوخی جعل نیت.

۵- جعل جرم مطلق است و نیاز به تیغ ندارد پس در موردی که بی‌درد و صحت بگیرد دست برد و پدید می‌آید

وسند را ازین بهر با هم جعل محقق شده.

**اقسام جعل :** ← مادی : قابل مشاهده و ملموس است و متن سند تفسیر می کند .

← معنوی (مفادی) : معنوی و مفاد سند تفسیر می کند نه متن سند . این نوع جعل ها

معمولاً در حین تنظیم سند از حق فرجه مثلاً در تویید من این را به حسن  
فرد هم و من کاتب فر نویسد من این را به حسین فرو ختم یا اسلم عاض  
هم تویید الف و ب آزادند و من منشی فر نویسد الف و ج آزادند .

**تفاوت مادی و معنوی :**

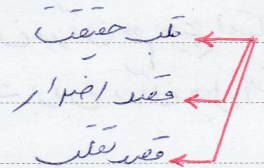
- ۱- جعل مادی بعد از تنظیم سند است ولی جعل مفادی در حین تنظیم سند .
- ۲- در جعل مادی آثار ملموس است ولی در جعل مفادی ملموس نیست .
- ۳- جعل مادی در اسناد رسمی و عادی است ولی جعل مفادی معمولاً در اسناد رسمی است .
- ۴- جعل مفادی را افراد دولتی انجام می دهند مثلاً منشی دادگاه ، قاضی ...
- ۵- جعل مادی اثباتش راحت تر است .

۶- آیا جعل مادی و مفادی با ترک فعل انجام می شود ؟ جعل مادی با ترک فعل صورت نمی گیرد زیرا انجام مصادیق که گفته شد فعل بودند اما جعل مفادی با ترک فعل امکان وقوع دارد مثلاً گفته شد حسن و حسین ، حسین را نفر نویسد ، هر چند که قانونگذار سکوت کرده است .

**نکته :**

ماده ۵۲۳ عطف قانون ثبت زیر اجازات در آن تبیین نشده است ، بلکه عطف ماورای آن است که در آن اجازات محل انجام شده را ذکر کرده باشد .

**ارکان جعل :**



ماده ۵۲۳ حرف از قلب حقیقت یا خلاف حقیقت بودن را بیان نمی دارد حال سوال این است که عدم ذکر

بخاطر چیست ؟

در نگاه ابتدایی فراموشی مقنن به ذهن می رسد ، اما وقتی به خود فاده و تعریف آن نگاه می کنیم چه بنیم جعل چیزی که جز قلب حقیقت نیست و عدم ذکر آن از روی علم بوده است و در واقع اصلاً نیازی به تبیین نبوده است .

**قلب حقیقت:**

اگر آقاس الف از آقاس ب طلبکار باشد ، الف پسند را کلمه باشد ، در صورتی که یک سند است کند با آقاس  
 همان شرایط سند قبل از آیا جعل صورت گرفته است ؟  
 قلب حقیقت دو شاخه دارد . یکبار حقیقت بیهوش است و یکبار حقیقت خودزند است . پس نیت به  
 مبلغ قلبی صورت نگرفته ولی قلب سند شده است .  
 در این جا اضرار اهماحق وجود دارد ، پس فقط ضرر خود من مملکت نیت ؛ پس در این جا جعل صورت گرفته  
 زیرا سند دیگری جایگزین شده .

**چند سوال:**

اگر کسی اظهاراتی را مکتوب کرد ، و در آن هن را می نویسد حسین ولی بعد معلوم می شود که واقعاً حسین ملاک بوده  
 آیا جعل است ؟  
 خیر ، زیرا در همان زمان که می نوشته مطابق با واقع بوده هر چند که در همان لحظه نوشتن مخالف امر بوده پس  
 در این جا قلب حقیقت نیت .  
 اگر کسی اظهارات شفاهی را بیان می کند که خلاف واقع است ، آیا این جعل است ؟  
 خیر ، زیرا طبق ماده ۵۳۳ جعل در سند نوشته است پس اظهارات شفاهی جعل نیت هر چند که عنوان مجرمانه  
 دیگری داشته باشد مثلاً شهادت کذب ، پس سند این است .  
 این جعل باید بجای سند باشد ؟  
 در آن وقت از سند که مثبت یا نامنه مطلقه است که یا سند در ارتباط است پس هر نوشته ای جعل نیت ،  
 پس از مطابق نوشت که هیچ ارتباطی با محتوای سند ندارد این جعل نیت .  
 اگر کسی در کتب یا روزنامه دست برد آید این جعل است ؟  
 اگر کتب برابر با اصل شده پس از آن جایی که هیچ اعتباری ندارد پس دست بردن در آن هم هیچ اعتباری  
 ندارد ، ولی اگر برابر با اصل شده باشد از آن جایی که مثلاً اصل است پس دست بردن در آن جعل است .  
 اگر اول دست برد بعد برابر با اصل کرد حکم چیست ؟  
 از آن جایی که کتبی به اعتبار است پس دست بردن در آن جعل نیت ، پس دست بردن برابر با اصل می شود در این جا  
 هم جعل نیت .  
 اگر کسی گواهی نامه ای دارد که مدت آن تمام شده ، اسم دیگری را جایگزین کند و اسم خود را بنویسد ، آیا این جعل  
 است ؟

خبر، زیرا اسناد فاقد اعتبار بوده، پس چون در زمان انجام فعل سندی اعتبار بوده پس جعل نیست.  
اگر در تاریخ دست برد حکم چیست؟

این جعل است زیرا سندی اعتبار را دارای اعتبار کرده است.

**نکته:**

اگر کسی در شناسنامه خود دست برد مثلاً اسم خود را بریزد، یا اسم بی چهار اطفال نوشته اند، این کامل کند و یا... این جعل است هر چند که مطابق با واقع است زیرا اعتبار اسناد رسمی را خدشه دار می کند  
زیرا اضرار عمومی است، البته در آن جا که بر رزق کرده است اگر تعیینی ایجاد کرده جعل نیست.

**قصه اضماره:**

اضمار سکن است خبری باشد و یا اجتماعی.

گاهی اضمار ماری است و گاهی معنوی (یعنی به آوردن حیثیت یک نفر خدشه وارد کرده است).

اضمار نیاز نیست فعلی باشد مثل جایی که در وصیت دست می برد.

سکن است اضمار به شخص ثالث باشد نه به شخصی که امین در سند جعل شده مثلاً گفته شده این جانب

آیت... فلانی از آقای شریفی فلان مبلغ کمک مالی گرفتم، و تعیین دهد و می نویسد این جانب جانگوشی از آقای شریفی کمک مالی گرفتم.

**شبهت در جعل:**

تقریب اول: در جعل اسناد اصلاً شبهت معنادار در چه سند جعلی شبیه سند اصلی باشد و چه نباشد بلکه صرف فعل و تصرف کفایت می کند.

تقریب دوم: شبهت لازم است، اصلاً وقت شبهت نباشد اضمار بریدانه کند.

تقریب سوم: شبهت جزئی کفایت می کند.

تقریب چهارم: شبهت در امور معروف و مشهور لازم است ولی در سایر موارد لازم نیست مثلاً در اسناد و آرم های معروف شبهت ملاک است.

تقریب پنجم: ملاک شبهت نیست بلکه ملاک به استنباط انداختن طرف مقابل است.

**ساختن مهر:**

فردی دستور ساختن مهری را به مهر ساز می دهد، در این جایک آرم وجود دارد و یک مأمور: حال کدام جاعل است  
آرم یا مأمور؟

باید بینم مأمور علم به جعلی بودن دارد یا خبر. اگر عالم باشد میانه است بین جاعل است و آرم معارف



ادست ، اما او جاهل باشد آمر جاهل است چون سبب وقوع از مبانی است .  
 این : مأمور ← عالم است ← جاهل است / آمر معاون است .  
 جاهل است ← جاهل است / آمر جاهل است .

نکته :

الو این ساخت مهر باستانی باشد در این جا هم مأمور جاهل است و آمر معاون ادست پس در این جا نیز است  
 نیست زیرا در شرک است باید حدود فعل را مرتکب شوند مثلاً آمر قسطن را با سزای مأمور قسطن دین را .  
**عنصر مادی جرم جعل :**

- ۱- موضوع جرم جعل : (۱) نوشته و سند (مهر سبزک نوشته است ولی هر نوشته این سند نیست) ماده ۵۲۳ ق.م.ا.عم  
 (۲) نمره افسار ۵۲۴ (۳) ننگه ( وسیله این برای تشخیص عیار طلا و نقره ) ۵۲۵ و ۵۲۸  
 (۴) علامت تجاری . ۵۲۵
- ۲- مرتکب جرم : در ماده گفته شده معرکس که ناظر به تحقق حقیقه است ( چه زن و چه مرد ) چه ایرانی چه خارجی .  
 فقط در محیط نظامی که تفاوت دارد .
- ۳- وسیله ارتکاب جرم : وسیله شرطیست .
- ۴- نتیجه مجرمانه : از آن جایی که جرم مطلق است پس نتیجه ملک نیست بلکه به صورت انجام شدن ، فراسیدن  
 تراسیدن و ... جعل محقق شده است .

**عنصر معنوی :**

سوءنیت عام : یعنی عالماً و عمدتاً این محل جعل را انجام می دهد  
 سوءنیت خاص : یعنی قصد تقلب که گاه با اضرار است و گاه بدون اضرار

### استفاده از سند محمول :

آیا جرم جعل و استفاده از سند محمول یک جرم است یا دو جرم ؟  
 اولین آنرا ملازمه باشد یک جرم است ولی اگر ملازمه نباشد دو جرم است - از آنجایی که بین جعل  
 و استفاده از آن ملازمه نیست پس دو جرم جدا است .

### عنصر قانونی استفاده از سند جعلی :

مواد ۵۲۴ تا ۵۲۵ .

### عنصر مادی :

- ۱- موضوع جرم : سند نوشته .
- ۲- مرکب جرم : حرکت .
- ۳- وسیله : نقش ندارد .
- ۴- فعل مرکب : استفاده کردن ، انتقال کردن ، عرضه کردن و ... (عین فعل نیست)
- ۵- نتیجه : نتیجه بدست آوردن سند است

### وارد کردن اشیاء محمول به داخل کشور : ماده ۵۲۵

در کشور های دیگر این تفکیک وجود ندارد .

### نکته :

حتماً باید عالم باشد یعنی بداند که این شیء جعلی است  
 هر چیزی را که وارد می کند و جعلی باشد مصداق این جرم خواهد بود مگر بلا شرط به اشیاء است  
 که آسایش و حاکمیت را مختل می کند .

در ماده ۵۲۴ که مهم تر از ماده ۵۲۵ است وارد کردن را بیان نموده است زیر این وارد کردن به نفع استفاده  
 کردن است و اگر این را بپذیریم ( وارد کردن نفع استفاده کردن است ) دچار مشکل می شویم زیرا در  
 ماده ۵۲۵ وارد کردن دست قاطعاً معاون اول جرم است و در ماده ۵۲۴ وارد کردن دست  
 حظ رهبر جرم نیست و حال آنکه رهبر مهم تر است زیرا اضرار آن بسیار مهم تر از دست حظ رهبر است .

### شروع به جرم :

در صحبت شروع به جرم آیا از ماده ۵۴۲ استفاده می کنیم و یا از ماده ۱۲۲ ؟  
 باید گفته شود که بر اساس ماده ۷۲۸ - ماده ۱۲۲ را اجمالاً می کنیم .

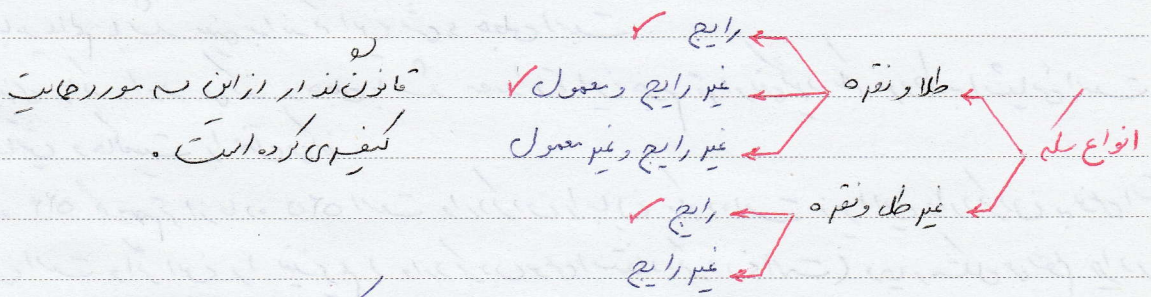
**تعدد جمع:**

جعل و استفاده از سند جعلی آیا تعدد صادر است؟ آیا جمع مجازات است یا مجازات است؟  
 تعدد صدور: قانون سابق است مثل اینکه با سند جعلی طلا هم در این گروه باشد  
 تعدد صادره: قانون سابق است مثل اینکه چند جعل انجام داده باشد  
 تعدد صادره مختلف: قانون سابق جمع مثل اینکه جعل در وقت انجام داده باشد  
 قانون جدید: تنزیرات اگر از درجه ۱ تا ۷ باشند مجازات است  
 اگر از درجه ۸ و ۷ باشند جمع مجازات.

این اگر چه درجه ۸ و ۷ بودند و با یک درجه ۱ و ۷ درجه ۷ درجه ۷ درجه ۷ مجازات است.

**ضرب که در جعل استناد:**

دارای ۴ اجرم است که ۱۱ مورد، در مورد ضرب که و آورد، در مورد جعل استناد است  
 تعریف سک: یک واحد پولی است با وزن و عیار مشخص  
 با وجه اینکه که نقش مهمی در جامع دارد، همیشه ضرب که به دست حکومت جا بوده است.  
 از طرفی اگر سک خواهد جعل شود (تقلید در آن صورت بود) این باعث ضرب به جامع می شود پس از همان  
 اعتبار هم انظار شده است؛ حتی به عدت این ویژگی ها (سود آوردن و آسایش جامع) مجازاتهای  
 سنگینی برایش در نظر گرفته شده است



قانون گذار از این سه مورد عایت  
 کفیفی کرده است.

رایج: یعنی مردم با آن معاملات خود را انجام می دهند مانند استنادین ها  
 معمول: یعنی مردم با آن معامله نمی کنند بلکه در بازارها مورد معامله قرار می گیرند مانند سک طلا  
 غیر رایج و غیر معمول: مانند سک های عتیقه

**نکته:**

فرض کنیم این سک و استنادین ها خارج باشند یا ایرانی بین اگر خارج باشند و سک رایج و معمول  
 باشند شامل عتق عام می شود

مشترک بین طلا و نقره و غیر طلا و نقره رایج :

- ۱- ساقشنگه
- ۲- وارد کردن
- ۳- معامله کردن
- ۴- ترویج کردن

طلا و نقره غیر رایج و معمول :

- ۱- ترویج کردن
- ۲- وارد کردن
- ۳- تقدیس کردن

بین در این ۱۱ مورد جرم بوده و دارای مجازات است .

ترویج کردن ← به معنای رواج دادن است مثلاً بیورد صدقه بدهد ، هدیه دهد بین شیطانیت که همان در مقابل آن چیزی بگردد . ( اگر داخل حائض آویزان کند و یا داخل ریتین گذارد ترویج نیست .

تقدیس کردن ← به معنای خدشه دار کردن است اعم از سوراخ کردن ، بریدن ، تراشیدن و ...

سوال :

آیا در ضربت که اضافه کردن هم جرم است ؟

بله جرم است زیرا اولاً ضربت که در اختیار دولت است پس هر محلی در این مورد انجام شود تقدیس است حال چه کم کردن و چه زیاد کردن . ثانیاً قانون نیز در این صورت مطلقاً گفته تقدیس حال چه کم و چه زیاد .

ماده ۵۱۱ قانون تعزیرات :

مجازات و معاذیر :

علل موثره : بین محل ارتکابی جرم نیست بین در محل شریک و معاون هم جرم نیست مثل دفاع مشروع .

علل رافع : محل جرم است ولی خاطر شریک که در جرم وجود دارد او را مجازات نمی کند مثل صیغه و محنون اما معاون و شریک او جرم هستند پس باید کفایت که محل قابل انتساب به مجرم نیست .

علل رافع مجازات اصلی و تبعی را بر می دارد ، اگر در دادسرا باشد تمام سوابق صنادق را بگذرد .

معاذیر : محل جرم هست و قابل انتساب به مجرم می باشد اما به علت برخی مصالح یا مجازات سستی می شود و یا تخفیف در مجازات حاصل می گردد . معاذیر مجازات اصلی را بر می دارند ولی مجازات تبعی را نه می توانند بر دارند . در معاذیر حتماً نیاز به حکم دادگاه است و دادسرا نمی تواند دخالت کند . مانند همکاری مؤثر در کشف جرائم ، تقصیر ماده ۵۵۴ .

نکته :

در مورد ضربت که چون به صورت باندهی و مخفیانه است ، قانونگذار بر این کشف این جرائم معاذیر قانونی را پیش بینی کرده است .

سوال ۱

آیا طبق ماده ۵۲۱ درگاه اجبار به تخفیف مجازات دارد یا خیر؟  
از آن جایی که جرمی جنبه دالالتش بر وجوب ازجملات امری بالاتر است پس بر این درگاه واجب است  
آیا توبه باعث سقوط مجازات حبس می شود؟  
پس هم چنین خیر مشهور است. قانونگذار نظر مشهور را پذیرفته است

نکته

اگر قبل از رسیدگی توبه کند از حکم مجازات معاف می شود. ماده ۵۲۱ ق. تعزیرات  
به نظر رسید بحث توبه اختصاص به ماده ۵۱۹، ۵۱۸ و ۵۲۱ ندارد بلکه در تمام تعزیرات جاری می شود.

به جرم در جعل اسکناس

به قصد اخلال ← صدور مجازات می کند: ماده واحده قانون تعدد مجازات جاعلین اسکناس  
← صدور مجازات می کند: ماده ۵۲۶ ق. تعزیرات  
بدون قصد اخلال: ماده ۵۲۵

شمارت جعل اسکناس و ضرب سکه

- ۱- قانونگذار در ضرب سکه از سکه‌ی رایج و غیر رایج معمول حمایت کفیفی کرده است ولی در اسکناس فقط از اسکناس رایج حمایت کفیفی کرده است.
- ۲- مجازات جاد در جعل اسکناس شدید است و حتی به صورت اعدام می رسد اما در ضرب سکه اعدا می در کار نیست.
- ۳- در ضرب سکه قانون از صلاحیت سزایین استفاده می کند ولی در جعل اسکناس حتی از صلاحیت واقع هم استفاده می کند.

جاسوسی و تجسس

تجسس ← در امور فردی و داخلی افراد بدون اشرافیت مجرمیت ولی نه است  
 تجسس ← در امور فردی و داخلی افراد با اشرافیت مجرم است اما تحت اشرافیت ماده ۶۴۸ مجرم است  
 تجسس ← در امور مربوط به حکومت و حاکمیت مجرم است تحت عنوان جاسوسی مجرم و تجسس :

ظاهر آفتوق زیاد در این درستی؛ تجسس عمدتاً در امور شرف است ولی تجسس در امور خیم است.

تجسس

جاسوسی یک مجرم قدیمی است و مجرم نو پدید می آید ولی تفاوتی که وجود دارد این است که جاسوسی در قدیم در امور نظامی بوده ولی در حاضر حاضر حتی در امور غیر نظامی هم هست.  
 جاسوسی در قدیم توسط انسان انجام می شد ولی در حال حاضر از وسایل فوق پیشرفته هم استفاده می شود.  
 در قدیم تکلیف قابل بود که اگر جاسوس داخل است به او هائش می گفتند و اگر از آنجا بیرون می رفتند به او جاسوس می گفتند ولی در حال حاضر این تکلیف برداشته شده است.

تعریف جاسوسی :

در لغت : از جسی به معنای لمس یا دست گذاشتن یا حسی الخیم که به معنای نفیض از خیم است .

تجسس یعنی رفتن در باطن یک امر و کشف از امور مخفی  
 دهخدا : حیت رجو کسده می خیم به امر بدی و شر

فقیرا جاسوس را تحت عنوان عین به کار می برند .

تعریف حقوقی : گلدوزیان ← جاسوس به کسی گفته می شود که تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اسبای باشد .

ولیدی ← جاسوس به کسی گفته می شود که در پوشش های متقلبان یا مخفیانه به نفع دشمن

در صدد نفیض و تجسس پیم امون اسناد یا اطلاعات یا اسبای یا سایر مدارک  
 و اسناد مربوط به استعداد یا توانایی های نظامی ، اقتصادی ، فرهنگی مربوط  
 به یک کشور و انعکاس آنرا به کشور دیگر تلاش می کند .

اشکالات تعاریف حقوقی :

۱- در هر دو تعریف گفته شده جاسوس کسی است ، که این به دنبال شخص است یعنی به دنبال جاسوس است  
 نه جاسوس مثل اسبای بوسیم سرعت را تعریف کن ولی شما سارق را تعریف کن پس عمل مجرمانه تعریف شده است

- ۲- در مورد تحصیل اطلاعات؛ با این جمله دانشم جرم جاسوسی گفته شده است. دقت مقدمه را هم جرم تلقی کرده است. در حالی که این موارد جرم نیست.
- ۳- به نفع خصم؛ آیا جاسوسی فقط به نفع خصم است؟ یعنی اگر بسیاری داده شود جاسوسی نیست؟ بله جاسوسی دادن اطلاعات به افراد فاقد صلاحیت است. یعنی شاید یک کشور نخواهد اطلاعاتش را به افرادی که با آنها رابطه‌ی حسنه دارد بدهد.

**تعریف صحیح طبق ماده ۵۰۱:**

جاسوسی عبارت است از جمع آوری و تکلیف اطلاعات، تقسیمات و اسناد محرمانه‌ی یک کشور به قصد تسلیم آنها یا تحویل آن به افراد فاقد صلاحیت یا اطلاع کردن آنها **پس:** مرحله‌ی اول تکلیف اطلاعات

اما در مرحله‌ی دوم اختلاف است یعنی: جمع آوری + قصد تسلیم + افراد فاقد صلاحیت ماده ۲۴

مجازات جرائم نیردهای مسلح

جمع آوری + تسلیم + افراد فاقد صلاحیت ماده ۵۰۱

تقریرات

**نکته:**

اگر فرد بلا عقاب اطلاعات را برای خانواده بیان کند یا اینکه این افراد فاقد صلاحیت هستند زیرا باید بدانند رعایت جاسوسی را انجام دهد و به دنبال ضرر به کشور باشند.

**ارکان جاسوسی:**

- ۱- رکن قانونی: یک دسته از قوانین به صورت صریح جرم جاسوسی را بیان می‌کنند مثل ماده ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۲۴ مجازات جرائم نیردهای مسلح. دسته‌ی دیگر از قوانین صراحتاً جاسوسی را نلفظاً اندر دهن با توجه به مفهوم آنها مقصود جرم جاسوسی هستند مانند ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۹ و ۲۴ مجازات جرائم نیردهای مسلح.
- ۲- رکن مادی: تحت نقشه‌ها، اسرار مربوط به ریاست داخلی و خارجی و اسناد موضوع جرم، نقشه‌ها، مستور نقشه‌های امن، نظام، سیاسی، تأسیسات آب‌رسانی و... است پس هر نقشه‌ای ملاک نیست.

اسناد ۴ دسته تقسیم شوند ۱- محرمانه ۲- فوق محرمانه ۳- سری ۴- فوق سری

محرمانه: اطلاعات و تقسیماتی که اگر لو رفت به یک سازمان ضرر وارد می‌شود.

فوق مجرای، اسنادی که مربوط به وزارتخانه است و اگر لوادر وزارتخانه منضم می شود.

سری: مربوط به هیئت دولت و ... است که اگر لوادر هیئت دولت، وزارت مجلس در ... منضم می شوند.

نون سری: مربوط به حالت است مثلاً مربوط به چند است، مربوط به صلح است.

بزرگ جرم.

چه کسانی مشمول ماده ۵۰۱ می شوند؟

حکوم شامل مرد، زن، داخلی و خارجی است ولی شامل نظامی نمی شود زیرا مواد ۲۱، ۲۴ و ۲۶ مجازات جرم ناهنجاری صلح محض آن است.

آیا فقط شامل کارمند است و یا ائمه غیر کارمند را نیز شامل می شود؟

بجز گفته اند ماده فقط شامل کارمند می شود به دلیل:

- ۱- کلمه می تم از دهد، که این تم را در این از جانب می است که این اسناد را دارد پس شامل کارمندی شود.
- ۲- قانون نادرست بعضی مجازات خودی بدست آوردن شده یعنی گفته جلوه نبردت باورد پس به گونه این در دست داشتن اسناد را مفروض گرفته است و این شامل کارمند است.

این بد است از ماده در دست نیست زیرا:

- ۱- ائمه را لویر تم از دهد لازم است این نیست که باید در دست باشد بلکه سکن است به دست رسیده باشد.
- ۲- در ماده ۳ قانون مجازات انتشار و انتشار اسناد محرمانه و سری در دست گفته شده: هر یک از کارمندان سازمانهای مذکور در ماده ۱ و یا اشخاص دیگر که اطلاعات یا مدارک یا تصدیقات سری را بدهند جاسوس هستند پس ما کاری به کارمند بودن نداریم.

### اشکالات ماده ۵۰۱:

- ۱- عدم تعریف گفته
- ۲- عدم تعریف جاسوس
- ۳- ماده مشخص نکرده که آیا فقط شامل کارمندی شود یا نه
- ۴- نظر به کیفیت و حرارت که در آخر ماده آمده است تصدیق است و نیاز به ذکر آن نبود.

گفته:

این ماده دست قاضی را باز نکرده است و قاضی می تواند برای جرم کوچک مجازات سکن دهد و این با اصل قانون بودن مجازات سازگار نیست.



ماده ۵۲:

شکل اینک در اصل کشور ایران اطلاعات پاکستان را می دهد به افغانستان بین متفق و متفق در کشور خارجی است و محل جمع در ایران است.

به نظر رسد این ماده وقتی عملی را جرم انقراض می کند منوط به این است که:

- ۱- در علم و این با سند (پس اگر در خارج از ایران مرتکب این جرم شد مجازات ندارد شکل اینک یک ایرانی در ترکیب این اطلاعات پاکستان را به افغانستان بدهد.)
- ۲- مرتکب این جرم جاسوس شود (توضیح نداده که جرم جاسوسی چیست اما چون بعد از ماده ۵۰ است پس منظور موارد ماده ۵۰ است.)

۳- گفته شده دولت که معلوم در شود دولت نقش دارد (منظور از دولت عبارت است از نهادی که دارای سرزمین است، دارای جمعیت و قدرت سیاسی است پس طنین باید دولت باشند پس اگر به این سازمانهای آزادی بخش این کار را انجام دهد جرم نیست.

نتیجه:

اگر دولت بود ولی ما شناسایی نگردیده بودیم این جرم است زیرا شناسایی ما فقط تأثیر سیاسی دارد.

ماده ۵۶:

نکات ماده:

- ۱) جرم جاسوسی جرمه است عمدی، اما شواهدی که غیر عمدی است همین ماده است.
- ۲) این ماده برخلاف ماده ۵۰ فقط مربوط به کارمند است (البته نه هم کارمندی)، کارمندی که مسئول حفاظت است.

- ۳) این کارمند اعم از اینک الوه باشد، قراردادی باشد، پروژه ای باشد و... پس تعدادش در رفع ندارد.
- ۴) این کارمند باید آموزش دیده باشد حال چه با مدرک و چه بدون مدرک.
- ۵) توسط دشمنان یا سند پس افراد فاقد صلاحیت خارج می گردند.

تحلیل اطلاعاتی یعنی چه؟

۱- تقسیم مضیق: دشمن بیاید و در پوشش کارمند دولت یا همدار یا مأمور اطلاعات از او پرسید و او بیاید دهد.

۲- تقسیم موسع: در اثر سهله انظار این مأمور دشمن بیاید اسناد را ببرد.

نکته:

اگر ما تقسیم مصنف را قبول کردیم عضو ما در این عمل با فعل است ولی اگر تقسیم مومع را بپذیریم عضو ما در ترک فعل محقق می شود.

معنی است کسی هم در را بگوید یعنی تخلیه اطلاعات هم شفاهی را شامل شود (مصنف) و هم بردن اسناد (مومع).  
دلالت بر این است: شامل تقسیم مصنف (شفاهی) می شود چون:

۱- خود ماده تصریح به بی مبالاتی کرده که از آن شفاهی بودن فهمیده می شود و در بعضی از مواد قانونی اطلاعات را شفاهی می دانند.

۲- معمولاً اسناد در جاهای محکم است که دست در آن به آسانی میسر نمی شود ولی تخلیه اطلاعاتی از طریق گفت و گو بسیار آسان است.

۳- ماده ۵۴ ناظر به ریاست اسناد است، پس تخلیه اطلاعات غیر از ریاست اسناد است.  
تعریف دشمن:

ماده ۲۵ قانون مجازات جرائم نبردهای مسلح دشمن را تعریف می کند:

اشتراک کرده ها و دولتها می که با نظام اسلامی در حال جنگ بوده یا قصد براندازی آن را دارند ...

۶۴ این جرم، جرم ما در صورت نیست، یعنی این بی مبالاتی باید اثبات شود پس دادگاه باید اثبات کند که این تخلیه اطلاعات در اثر بی مبالاتی بوده.

نکته:

اگر کسی را هیئتوزیم کند و اطلاعاتش را تخلیه نمایند شامل ماده ۵۶ نمی شود مگر آنکه خودش بی مبالاتی کند و خود را در معرض این عمل قرار دهد.

۷۷ این ماده شامل قطعیان نمی شود زیرا اطمینان به دلیل ماده ۲۷ مجازات جرائم نبردهای مسلح از ماده ۵۶ خارج شده اند.

ماده ۲۷ جمع کرده بین ماده ۵۰۶ و ۵۴۴ قانون تعزیرات زیرا هم تقسیم مصنف را بیان کرده و هم تقسیم مومع در ماده ۲۷ اسناد را طبقه بندی کرده و مجازات را طبق این طبقه بندی بیان کرده است.

ماده ۵۰۶ در اسناد محرمانه می گوید اما ۶ ماه حبس ولی در ماده ۴۷ می گوید تنبیه انضباطی، یعنی در جرائم نظامی آسان تر گرفته شده است.

تفاوت مواد ۲۷ و ۲۸ مجازات جرائم نبردهای مسلح:

در ماده ۲۷ این از آموزش نیامده است که در صورت تخلیه اطلاعات فوق سری تا ۲ سال حبس به همراه

دارد اما در ماده ۲۸ گفته شده آموزش در صورتی که تخلیه اطلاعات شود آنگاه ماهی در این درجه که آموزش دیده حبس کمتر است از جایی که آموزش ندیده است و این دارای انتقال است و حال آنکه کسی که آموزش ندیده باید مجازاتش خفیف تر باشد نه شدیدتر.

**مخاربه :**

جمله است که آنی که آیه ۳۳ سوره من مائده بر آن دلالت دارد.  
 مخاربه از حرب گرفته شده که تعضیب آن سلم است. اصل کلمه می حرب به معنای سلب کردن و جدا کردن است که مخاربه است و خواهد است مردم و مال مردم و را سلب کند.  
 بهر گفته اند مخاربه و انصار در الارض یک جرم هستند و در قرآن دارای یک موهول می باشند.  
 در حال حاضر صلح نظر کنگه این دو را یکی می دانند مخاربه را صدق اکمل و نام انصار در الارض می دانند یعنی انصار در الارض مصداق معتدلس دارد که مخاربه صدق تام آن است.

در آیه شریفه بخاریون الله و رسول به چه معنایی است؟

- ۱- جنگ واقعی یا خداوند معنا ندارد و اگر بگویم منظور جنگ با رسول است، اختصاص پیدا می کند به زبان خود پیامبر.
- ۲- بخاریون به معنای مع المسلمین است یعنی کسی که با مسلمین می جنگد به نوعی دارد یا خداوند می جنگد.

**ارکان مخاربه :**

ماده ۲۷۹ ق.م. به نوعی مخاربه را تعریف کرده و ارکان آن را ذکر می کند ولی عنصر قانونی مخاربه نیز باشد.  
 ۱- تسلیت سلاح : مراد دست بردن به اسلحه است (شانه زدن اسلحه) این هنوز استفاده شده.  
 مراد از سلاح هر آن چیزی است که عرف آن را سلاح بدانند حال چه گرم و چه سرد  
 بین بی و کنگ سلاح نیستند.

آیا اسلحه ای خالی هم کفایت می کند؟

بله زیرا در عرف به این هم اسلحه گویند هم چنین است تمسیر کنند زیرا به این هم سلاح گویند.

باید توجه شود که ملاک از اسلحه، اسلحه می واقعه است پس شامل اسباب بازی نمی شود.  
 بعضی از فقها اسلحه را شرط می دانند بلکه اضافه را شرط می دانند.

(۲) قصد جان، مال یا ناموس مردم (قصد افاغنه) : اگر کسی اسلحه بکشد به صرف ترساندن مردم مخاربه است پس به طریق اولی به قصد جان، مال و ناموس مخاربه است.

کلمه بی مردم به معنای عدوی زیاد نیست، بلکه مراد اسم جنس است پس اگر علیه یک نفر جمع سلاح کشید معارب است.

۳- حقوق اخافه: با این رکن دایره بی محاربه صیغه می شود، پس اگر کسی اسلحه کشید ولی مردم نترسیدند محاربه صیغه نمی کشد.

به نظر در حقوق اخافه:

۱- عدم شرط اخافه: همین که اسلحه کشید ولو اخافه نباشد محاربه صیغه می کشد (علامه)

۲- کفایت شائبه اخافه: همین اندازه که شائبه اخافه داشته باشد کفایت می کند یعنی سکن

است الا آن کسی نترسد ولی چون شأن ترساندن دارد کافی است (مجموعه)

۳- اشتراط اخافه: علاوه بر کشیدن سلاح، قصد جان، مال یا ناموس باید اخافه صورت

گیرد. (مجموعه طبایع و فاضل کسرائی)

۴- عدم وجود ابلتیه و عداوت صحف: بین او خطا کینه، فردی داشته این محاربه نیست بلکه باید بدون

ابلتیه صحف باشد یعنی برایش فرقی نلذ که این فرد باشد یا آن فرد، این طایفه فرقی باشد

یا آن ملی.

ماده ۲۸۰ ← فرد یا گروهی که برای دفاع و تقابل با محاربه دست به اسلحه بی محاربه نیست.

ماده ۲۸۱ ← راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح بی نذر موجب سلب امنیت مردم و راه ها شوند محاربه

ماده ۲۸۲ ← حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: اعدام، صلب، قطع دست راست و چپ، نقر بلب.

ماده ۲۸۳ ← انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است.

نکته:

قانون نذار در این ماده صلیب را توضیح نداده ولی در سال ۱۳۷۰ توضیح داده بود.

صلیب ← دست و پا هاست او را به صلیب می بندند به گونه ای که از زمین فاصله داشته و نخوی بستن موجب

موت او نشود و تا سه روز بدون آب و غذا رهاش می کنند، اگر مرد که هیچ ولی الی نذر نماند

حکم اجرا شده تلقی می گردد.

تأخیر یا ترتیب بودن مجازات ها:

قانون نذار تأخیر را پذیرفته است.

از آن جایی که این مجازات ها هم عرض نیستند زیر این سلب حیات است درگیری نقر بلب، قوی گفته اند مجازات

باید با جرم ارتطابق متناسب باشد، پس به نحوی متقارن ترتیب است.

تفاتیغ طوری:

اگر محارب کسی را کشت و مالی ببرد و او را بدهیم یا اولیاد او، اگر قصاص کردند که هیچ ولی اگر در برسد یا عفو کردند از باب حدیثه می شود.

اگر محارب کسی را کشت و مالی هم ببرد: اول دست و پا های او را می بریم و بعد به صلیب می نسیم.

اگر فقط مال ببرد: دست و پا های او را می بریم.

اگر فقط اخاف انجام دهد: تبعید.